



The Position of the Rights of Disabled Persons in the Light of Criminal Justice Discourse; Emphasizing the Criminological Approach to Criminal Developments and Crime Prevention

Fatemeh Noori Roomanan¹, Abbas Tadayyon^{*2}, Behnam Yousefian Shuredeli³

1. PhD Student, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 151-164

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5548-4925

TELL: +989123005351

Email: atadayyon@gmail.com

Article history:

Received: 18 Oct 2021

Revised: 21 Nov 2021

Accepted: 05 Feb 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

Criminal Policy, Disabled People, Criminal Prevention, Non-Criminal Prevention, Iran's Criminal System.

ABSTRACT

Protection of disabled persons is one of the most important issues that have received little attention in Iran. It needs to organize the criminal law regarding the issue of the disabled persons. The legislator may consider criminal policy and non-criminal prevention has rules, but it considers the disabled persons to be the same as the elderly, sick and children, while the elderly and children are considered normal and disabled people. Disabled people have conditions that affect their normal life, either at birth or due to war, accident, etc and as a result, they can not response to crime and defense. They are not in suitable condition, and as a result, legislator should pay more attention to deal with crimes against them. From this point of view, the necessity of criminological attention can change the simple attention to criminal policy. From this point of view, aim of the article is to examine Iran's criminal policy in relation to the protection of the disabled persons, which was done in an analytical-descriptive way and in a library format. The criminal point of view and determining the punishment from a non-criminal point of view has many weaknesses but it should be noted that there are two points in the criminal system: one of which is expansion of criminal liability in relation to commission of crimes against the disabled persons and the type of crime committed and considering aggravating factors in improving the situation of disabled persons and preventing commitin of crimes against them.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Noori Roomanan, F; Tadayyon, A & Yousefian Shuredeli, B (2022). "The Position of the Rights of Disabled Persons in the Light of Criminal Justice Discourse; Emphasizing the Criminological Approach to Criminal Developments and Crime Prevention". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 151-164.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

جایگاه حقوق اشخاص کم‌توان در پرتو گفتمان عدالت کیفری؛ با تأکید بر نگاه جرم‌شناسانه به تحولات کیفری و پیشگیری از جرم

فاطمه نوری رومنان^۱، عباس تدین^{۲*}، بهنام یوسفیان شوره‌دلی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

حمایت از معلولین یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در ایران کمتر به این مسأله توجه شده است. نکته مهمی که این مسأله را متمایز از سایر مسائل می‌کند، علاوه بر بحث پیشگیری و گنجانیدن مواد در قوانین مربوطه، لزوم تنظیم و سازماندهی کردن جرم‌شناسانه حقوق کیفری نسبت به بحث معلولان می‌باشد که توجه ویژه‌ای در این مقاله به آن مبذول شده است. باید توجه داشت که قانون‌گذار ایرانی ممکن است مقررات قابل‌ملاحظه‌ای در ارتباط با سیاست جنایی و پیشگیری غیرکیفری داشته باشد، ولی آنچه که وجود دارد، یکسان‌پنداشتن افراد معلول با افراد پیر، بیمار و کودکان می‌باشد، درحالی‌که پیر و کودک به‌صورت طبیعی و اقتضای سنی دارای ناتوانی‌هایی هستند و معلولین به‌صورت مادرزادی یا به‌دلیل جنگ، حوادث و... دارای شرایطی هستند که زندگی عادی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درنتیجه درقبال جرم و دفاع از خود دارای شرایط مناسبی نیستند و درنتیجه قانون‌گذار باید توجه بیشتری به بحث کیفری و مقابله با جرایم علیه آنان داشته باشد. ازاین‌نظر لزوم توجه جرم‌شناسانه به این بحث می‌تواند صرف توجه ساده به سیاست کیفری را تغییر دهد. ازاین‌نظر هدف مقاله بررسی موضوع سیاست جنایی ایران درقبال حمایت از معلولین می‌باشد که باروش تحلیلی - توصیفی و به‌صورت کتابخانه درصدد بررسی این موضوع هستیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران درزمینه حمایت از معلولین از منظر کیفری و تعیین مجازات دارای ضعف‌های عدیده می‌باشد، ولی باید توجه داشت که دو نکته در نظام کیفری ازجمله بسط مسؤولیت کیفری درارتباط با ارتکاب جرم علیه معلولین و نوع جرم ارتكابی و درنظرداشتن عوامل مشدده جرم می‌تواند بهبود چشم‌گیری در مورد معلولان و ارتکاب جرایم علیه آنان صورت ایجاد نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۱-۱۶۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۹۲۵-۵۵۴۸-۰۰۲-۰۰۰-۰۰۰

تلفن: ۰۵۳۵۱-۹۸۹۱۲۳۰۰+

ایمیل: atadayyon@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، معلول، پیشگیری کیفری، پیشگیری غیرکیفری، نظام کیفری ایران.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

برای صیانت از حقوق معلولان حائز اهمیت است، لذا موضوع فوق در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- حقوق قانونی معلولین و نقش حقوق کیفری در بسط آن

در جامعه افراد دارای نقصان‌هایی برای بهره‌برداری از حقوق قانونی خود هستند که می‌تواند حقوق آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای این امر رجوع به قانون جهت صیانت از حقوق افراد حائز اهمیت می‌باشد. برخی مشکلات در چارچوبی هستند که بیشتر از آنکه مربوط به شرایط جسمانی افراد باشند، حس امنیت افراد را تقویت می‌کنند تا افراد بتوانند با اطمینان خاطر بیشتری در جامعه تردد داشته باشند. از این نظر معلولان دارای شرایطی هستند که هم حس امنیت آن‌ها را تقویت می‌کنند و هم امنیت جسمانی آن‌ها را. حقوق این افراد همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است، چراکه از نظر جسمی ممکن است به‌هیچ‌عنوان نتوانند از خود دفاع کنند و در نتیجه آسیب‌پذیری آن‌ها از یک کودک نیز بیشتر می‌باشد و توجه قانون‌گذار و حقوق کیفری برای صیانت از حقوق آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد. از نظر کیفری، چالش‌هایی از قبیل بی‌اطلاعی افراد از حقوق خود، نبود جامعیت قانون و ضعف حمایت‌های قانونی از سایر عواملی هستند که می‌توانند در ارتباط با این افراد مطرح شوند، درحالی‌که معلولین در جامعه یکی از قشرهای آسیب‌پذیر هستند که همواره در معرض سوءاستفاده و آسیب‌های روحی و جسمی قرار دارند. جالب است که بیشتر از آسیب‌پذیری این افراد از نظر جسمی یا روحی، آسیب‌پذیری آن‌ها از نظر قانونی می‌باشد که از حمایت کافی برخوردار نیستند (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵: ۹۸).

آسیب‌پذیر بودن اشخاصی به مانند افراد معلول، فارغ از ناتوانی جسمی و ذهنی، عامل مهمی می‌باشد که وی را بیشتر در معرض خطر و جرم علیه وی قرار می‌دهد، چراکه این موضوع بدیهی است که شخص معلول توان دفاع در مقابل خود را ندارد و این موضوع وی را هدف آسانی برای انواع جرایم من جمله ضرب و شتم، سرقت، آدم‌ربایی و ... می‌سازد. از نظر جنسی و سنی نیز این مسأله می‌تواند شرایط را بغرنج‌تر سازد. از نظر جنسی چنانچه زن معلول باشد، یا شخص معلول کودک باشد، به شدت آسیب‌پذیرتر می‌شوند و در اقدامات

حقوق کیفری برای اینکه نسبت به معلولان و ناتوانان حساسیت به خرج دهد، تحولاتی را پشت سر گذاشته است و شایسته بحث می‌باشد. رویکرد حمایتی - کیفری نسبت به معلولان و به‌خصوص معلولان بزه‌دیده، همواره با تدابیر ماهوی همراه است. باتوجه به اهداف مجرمانی که معلولان را هدف و طعمه جنایات و جرایم خود می‌سازند، از یک طرف باید به ناتوانی جسمی آنان و حتی بعضاً ناتوانی ذهنی برخی از معلولان توجه داشت و از سوی دیگر باید طرفیت‌های حقوق کیفری را مدنظر قرار دهیم و متناسب با طیف مختلفی از معلولان اقدام به ترسیم سیاست جنایی کنیم. نگاه‌های قانون‌گذاران باید به‌گونه‌ای باشد که با در نظر داشتن وضعیت جسمی معلولان، چتر حمایتی خود از منظر کیفری را بگسترانند و از هرگونه تبعیض حداقل در قوانین داخلی پرهیز گردد، لذا رعایت اصل انصاف و مساوات در تحقق این امر مهم است. حقوق کیفری باید فضایی را در جامعه برای معلولان به‌وجود بیاورد که از تهدیدهای احتمالی بزه‌کاران در امان باشد و از جنبه‌ای دیگر، از تکرار بزه ممانعت به‌عمل آید.

آنچه امروز سیاست جنایی ایران در قبال معلولان را تشکیل می‌دهد، توجه نسبی به این موضوعات است و آنچه که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مربوطه دیده می‌شود، رویکرد حمایتی نسبی برای معلولان می‌باشد و آنچه از این نظر می‌توان نتیجه گرفت، کافی نبودن اقدامات قانون‌گذار ایرانی در مورد معلولان می‌باشد. سیاست کیفری و نوع جرم‌انگاری باید عنصری بازدارنده برای معلولان تشکیل دهد و از منظر جرم‌شناسی نیز باید تعیین کیفر توأم با در نظر داشتن آسیب‌پذیری این طیف از طبقات جامعه همراه باشد. از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین ایراداتی که در این زمینه مطرح می‌باشد، نبود تدابیری برای اعلام جرم‌کردن از سوی دادستان جهت صیانت از حقوق آنان می‌باشد. بر همین اساس می‌باشد که در این مقاله درصدد بررسی سیاست جنایی ایران در قبال معلولان درآمدیم. آنچه در سیاست جنایی مهم است، توجه به دو رویکرد کیفری و غیرکیفری می‌باشد و به نظر می‌رسد هر دوی این عوامل،

می‌باشد، حال آنکه آن‌ها مرکب جرمی نشده‌اند (خوش‌اندام و میرقادری، ۱۳۸۵: ۸-۷).

درحقیقت در مقابل بزه، معلولین آسیب‌پذیر دارای صدمات مختلف روحی و جسمی هستند و در نتیجه به افراد بی‌دفاع در مقابل بزه‌کاران تبدیل می‌شوند و بدین‌سان متحمل خسارات جسمی، جانی، مالی و روحی مضاعف می‌شوند و از این نظر باید حقوق کیفری اهتمام بیشتری برای این افراد داشته باشد تا بتواند آنان را در مقابل این مسائل صیانت سازد (فقیهی، ۱۳۹۰: ۴۱).

در اینجا بحث حمایت‌های افتراقی از این افراد مطرح می‌گردد. در حمایت افتراقی حمایت از آسیب‌دیدگان یا افراد آسیب‌پذیر معلول بیشتر مطرح می‌شود و دارای مزایای بسیاری می‌باشد. در این نوع حمایت که لازمه افراد معلول می‌باشد، مواردی مثل اهمیت و بهادادن به کارکردهای حقوق کیفری جهت حمایت از معلولین، اجرای عدالت در حق افراد معلول و احترام به حقوق قانونی آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر برای حمایت از معلولین، بحث پیشگیری نیز دارای اهمیت می‌باشد، چراکه بحث ما سیاست جنایی است و یکی از ملزومات سیاست جنایی توجه به پیشگیری می‌باشد که در این مقاله در ادامه مباحث ب‌پیشگیری مورد توجه قرار می‌گیرد. در بحث پیشگیری حمایت از معلولین به‌صورت ویژه و پیش‌بینی کیفیات مشدده جرم نیز قابل طرح می‌باشد که در اثرگذاری حمایتی از معلولین دارای اهمیت است. برای الگوگیری از نوع حمایت مؤثر از حمایت در چارچوب معلولین، می‌توان به بند «ب» ماده ۷ کنوانسیون حقوق معلولین اشاره کرد که می‌گوید: «در تمامی اقدامات مربوط به کودکان دارای معلولیت عالی‌ترین منافع کودک در اولویت نخست خواهد بود» باتوجه به متن این ماده توجه خاصی به کودک داشته‌اند به این دلیل که کودکان معلول هم به‌دلیل کودک جرم‌بودن و هم به دلیل ضعف و ناتوانی قوای جسمانی آماج‌های مساعدتری برای بزه‌دیده‌شدن هستند (حاجی‌تبار فیروزجانی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۴).

در اینجا کنوانسیون به کودکان نیز توجه ویژه‌ای کرده است، چراکه آسیب‌پذیرترین طبقه معلولین معمولاً کودکان هستند،

قانونی باید این مسأله نیز مدنظر قرار گیرد. این موارد دلایلی موجهی برای تحت حمایت قرارگرفتن این افراد می‌باشد. از این نظر نهادهای قضایی باید نسبت به این موضوع حساس‌تر باشند. مقابله با جرایم ارتكابی می‌تواند فردی را که در معرض جرم قرار گرفته است، قوی‌تر سازد و صدمات وارده را تعدیل نمایند، ولی افراد معلول این امکان را ندارند و می‌بایست تدابیر حمایتی شدیدتری از نظر کیفری در نظر بگیرند. بی‌تردید با وقوع جرم و در پی آن، یعنی از بدو طرح شکایت تا پایان دادرسی و صدور و اجرای حکم معلولین با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند و بدین‌جهت اتخاذ تدابیر مناسب مهم می‌نماید. در وهله اول باید تلاش کرد تا اقدامات پیشگیرانه جهت در معرض قرارنگرفتن آن‌ها و یا به حداقل‌رساندن آن صورت پذیرد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آسیب‌پذیری معلولین از کجا نشأت می‌گیرد؟ آیا همه معلولین از یک نوع آسیب‌پذیری برخوردار هستند؟ برای این امر باید آسیب‌پذیری را تعریف کنیم. آسیب‌پذیری ناشی از عوامل فیزیکی، اقتصادی، محیطی و یا ژنتیکی می‌باشد که قابلیت‌های فردی و اجتماعی و همچنین جسمانی فرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ممکن است استعداد فرد را نیز با اختلال‌هایی روبه‌رو سازد. از نظر مصداقی آسیب‌پذیری دارای شمول بسیاری می‌باشد که برای نمونه می‌توان به بیماران مزمن، ناتوانان جسمی، ناتوانان روحی، جانبازان و ... اشاره داشت (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵: ۱۰۰). شناخت ویژگی‌های معلولین از آن جهت اهمیت دارد که برای شناخت نوع ناتوانی در وضع قانون برای حمایت‌های کیفری بسیار حائز اهمیت می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر باید توجه داشت که اثرگذاری سیاست‌های جنایی برای حمایت‌های قانونی از آن‌ها بسیار مهم می‌باشد.

دیده شده است که افراد ناتوان و معلول بیشتر اوقات قربانی سوءاستفاده‌های برخی جریان‌های بزه‌کار قرار می‌گیرند و در واقع از معلولیت آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای فعالیت‌های جنایی بهره می‌برند. در برخی موارد نیز برخی جرایم و جنایات بر گردن این افراد می‌افتد و این مسأله صرفاً به‌خاطر عدم توانایی آن‌ها برای ترک صحنه جهت در مضان اتهام قرارنگرفتن

نگریست. اگر این رویکرد اتخاذ شود، می‌بایست جرایم عادی را که دارای مجازات مشخصی می‌باشند، با اعمال کیفیات مشدده جرم با افراد مجرم برخورد کرد، به نوعی که هزینه ارتکاب جرم برای افراد در قبال معلولین بیشتر شود. در این صورت قاضی نیز دست خود را در مورد اعمال مجازات باز می‌بیند، بدین صورت مجرمی که طرف مقابل خود را شخص ناتوان و ضعیف می‌بیند، باید بداند که به دلیل ویژگی خاص طرف مقابل می‌تواند مجازات بیشتری را متحمل شود، لذا یکی از روش‌های مؤثر در قبال افراد معلول، تشدید مجازات با بالابردن هزینه ارتکاب جرم می‌باشد، اما به صرف اعمال تشدید مجازات می‌تواند مسأله را پیچیده کرده و برخی مشکلات را به وجود آورد که در این زمینه آسیب‌شناسی دارای اهمیت است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آسیب‌شناسی در این زمینه، توجه به پیامدهای تشدید مجازات می‌باشد. در جرایمی که علیه اموال می‌باشد، برای مثال در جرم کلاهبرداری، در تحقق آن علاوه بر مهارت بزه‌کار در به‌کارگیری مانورها و صحنه‌سازی‌های متقلبانه، اغفال بزه‌دیده نیز ضرورت دارد. بزه‌کار ترجیح می‌دهد این جرم را علیه فرد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی که دارای بهره هوشی پایین‌تر از متوسط است، مرتکب شود و بدین‌سان شیوه سهل‌تری را در فریب‌دادن بزه‌دیده به‌کار گیرد. قانون‌گذار با توجه به سوءاستفاده بزه‌کار از ناتوانی بزه‌دیده در وضع مجازات برای چنین جرائمی آستانه مجازات را با حداقل و حداکثر تعیین کرده است، لیکن مقرر می‌دارد که در چنین مواردی ارتکاب جرم علیه ناتوان بزه‌دیده می‌تواند از جهات مشدده مجازات باشد و بنابراین قاضی را در تشدید مجازات وی، مخیر می‌کند. در مقایسه با جرائم علیه اشخاص می‌توان به تفاوتی که از لحاظ پیامدهای مخرب جرم برای بزه‌دیده وجود دارد، اشاره کرد (رشیدی، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۵).

۲-۲- نوع جرم ارتكابی و در نظر داشتن عوامل مشدده جرم

در مورد معلولین، توجه به شدت جرم و در نظر داشتن وحدت قضیه می‌تواند ما را به سوی تدابیر عاقلانه در ارتباط با مسأله سوق دهد. باید توجه داشت که در مورد معلولین، حتی یک جرم ساده می‌تواند در قبال ناتوانی‌هایی که معلول از آن برخوردار است، مضاعف تلقی گردد.

چراکه فی‌حد ذاته کودکان آسیب‌پذیر هستند و ضعف جسمانی و روحی آن‌ها می‌تواند برای کودکان خطرناک باشد. از طرف دیگر تصور اینکه کودکی معلول نیز باشد، این ضعف دوجندان می‌شود و حمایت‌های ویژه از این نوع کودکان قطعاً ضروری به نظر می‌رسد. در ایران به این مسأله توجه خاصی نشده است و آسیب‌شناسی این مسأله در چارچوب حقوق ایران می‌تواند ضعف‌های سیستم کیفری را نشان دهد. در قانون مجازات اسلامی می‌توان به ماده ۱۵۰ اشاره کرد که اگر شخصی دارای قوه تمییز نباشد و در زمان ارتکاب جرم از نظر ذهنی فاقد اراده و قوه تمییز باشد، در این صورت نمی‌توان برای شخص مزبور مسؤولیت کیفری متصور شد. این قاعده را می‌توان به کودکان معلول ذهنی نسبت داد که با شرایطی احراز آن می‌تواند در چارچوب این ماده محقق شود، اما در مورد معلولین جسمی این مسأله اندکی دشوارتر می‌شود. اگر معلول کودک باشد، تکلیف مشخص است و براساس ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، به دلیل اینکه نابالغ می‌باشد، مسؤولیت کیفری متصور نیست، ولی اگر بزرگسال باشد و معلول نیز باشد، مسؤولیت کیفری وجود دارد، ولی مسأله اصلی آن است که اگر در دفاع از خود مرتکب جنایتی شود، چگونه می‌توان در چارچوب دفاع مشروع از وی حمایت کرد؟ (سلطانی کوهبنانی و غلامی، ۱۳۹۷: ۲) در مقام پاسخ باید اشاره کرد که دفاع مشروع و متناسب می‌تواند چارچوبی را برای شخص مزبور فراهم آورد، ولی با این حال به دلیل اینکه بحث ما چندان به این موضوع مرتبط نیست، از ادامه آن پرهیز می‌کنیم، ولی به صورت کلی حمایت‌های قانون‌گذار که ویژه معلولین باشد، در نظام کیفری ایران دیده نمی‌شود. از این نظر می‌تواند ما را به طراحی سیاست جنایی مناسب در قابل معلولین ترغیب کند (زراعت و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶).

۲- شيوه اتخاذ روش‌های پیشگیرانه در مورد معلولان بزه‌دیده

۲-۱- بسط مسؤولیت کیفری در ارتباط با ارتكاب جرم علیه معلولین

یکی از روش‌های مهم برای تشدید مجازات کیفری، بالابردن هزینه جرم از طریق مؤلفه‌های آسیب برای معلولین می‌باشد. در این روش باید با رویکرد بزه‌دیده‌محور و با لحاظ انواع آسیب‌های قابل اعمال در مورد معلولین می‌توان به قضیه

کیفری نه تنها از نظر ماهوی، بلکه از لحاظ مقررات کیفری شکلی اهمیت بسیار دارد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

۳- سیاست کیفری ایران در قبال معلولین از منظر قانون مجازات اسلامی

آنچه از شیوه قانون گذاری در قانون مجازات اسلامی در مورد معلولان دیده می شود، عدم انسجام و عدم نظام مندی شیوه قانون گذار در مورد معلولین و جنایت علیه آنان می باشد. در برخی موارد نیز قانون گذار در مورد یک جرم، دو رویکرد مختلف را به کار برده است و این مسأله نشان می دهد که قانون گذار مبنای مشخصی برای تعیین مجازات مشخص در مورد ارتکاب علیه مجرمین نداشته است و به همین دلیل مشخص می شود که بنای قانون گذار، حمایت گسترده از معلولین نبوده است. از طرف دیگر این مسأله نشان می دهد که از آسیب پذیری و نیازهای معلولین چندان آگاهی نداشته است. به نظر می رسد این شیوه قانون گذاری بیشتر سلیقه ای و اگر با اندکی اغماض بگوییم، من باب ترحم بوده است، سخن گزافی نمی باشد، حتی این مواد به صورت ضمنی می باشد و نمی توان مستقیماً اشاره قانون گذار به معلولین را از آن استنباط کرد، لذا در این گونه شرایط هم، قانون گذاری که صورت گرفته، هدف مستقیماً معلولان نبوده است و باید با تفسیر و استنباط از مواد، قواعد مرتبط با معلولین را یافت. نکته مهم دیگر، عدم توجه قانون گذار به ناتوانی معلول و آسیب پذیری شدید وی و از طرف دیگر دریغ کردن این حداقل حمایت از این چنین افراد بوده است و آنچه که در قانون مجازات مشاهده می کنیم، معلولین فاقد مشخصه های آسیب پذیری در قانون مجازات و اعلام حداقل حمایت ها می باشد (شفیعی و شفیع، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

در این ارتباط ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) قابل توجه است. با استدلال و تفسیر می توان حمایت کیفری قانون گذار از تمامیت روانی، عاطفی و جسمی معلولین استخراج کرد. براساس این قانون، هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری، شخصی را که قادر به محافظت خود نمی باشد، در محلی خالی از سکنه رها نماید، به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا به جزای نقدی ... محکوم

با اینکه پیامدهای زیان بار این گونه جرایم برای معلولان بسیار شدید است، ولی قانون گذار بدون توجه به این موضوع و با در نظر گرفتن وحدت قضیه، اقدام به تعیین مجازات ثابت برای جرایم مربوطه کرده است، لذا قانون گذار اختیار تشدید مجازات را به قاضی نداده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۵). اگر به صورت ماهوی به این قضیه بنگریم، باید حمایت کیفری خاص از طریق جرم انگاری را مورد توجه قرار دهیم و ظرفیت های ارتکاب جرم علیه معلولین و میزان آسیب وارده به آنان را بیشتر مدنظر قرار دهیم. همچنانکه برخی از سوء رفتاری هایی که علیه معلولین صورت می گیرد، واجد وصف مجرمانه نیستند، ولی ممکن است همین فقدان وصف مجرمانه، در حق معلول جرم تلقی گردد، چراکه ناتوانی جسمی معلول در اینجا مطرح می باشد و البته تأثیری که جرم در حق وی می تواند گذاشته باشد (قائدرحمتمی و دهباشی، ۱۳۹۲: ۳۴۱).

حقوق کیفری با اطلاق وصف مجرمانه به سوء رفتارها و خشونت هایی نسبت به ناتوانان صورت می گیرد، مرتکبین چنین اعمال را در معرض ضمانت اجراهای کیفری می تواند قرار دهد و از این پس مرتکبین تحت عنوان بزه کار قرار گرفته و اعمال ارتكابی آنان پاسخ کیفری را در پی خواهد داشت، ولی اگر شدت جرایم را در حق این افراد، یعنی معلولین در نظر نگیرند و صرفاً به قضیه عنوان سوء رفتار بدهند، ممکن است شخص مزبور نه مجرم، بلکه به عنوان منحرف یا متخلف تلقی گردد و مجازاتی در پی نداشته باشد و واکنش اجتماعی افراد نیز به این موضوع کم رنگ باشد. از منظر جرم انگاری، نبود تدابیر کافی و اعمال مجازات، باعث جری شدن بزه کاران در حق معلولین می شود و این سوء رفتار کم کم در جامعه رنگ و بوی عادی سازی چنین رفتارهایی با معلولین را سبب می شود و چه بسا ممکن است موجبات بزه دیدگی مکرر فرد معلول را فراهم کند.

به نظر می رسد جرم انگاری های خاص که نظار به افعال یا ترک فعل های زیان بار نسبت به فرد ناتوان باشد و پاسخ دهی کیفری از رهگذر تعیین مجازات در چنین مواردی، از جمله رسالت های نوین حقوق کیفری است. حساس سازی حقوق

نداشته و برای این‌گونه موارد نیز حتی به جای قصاص، جایگزین دیگری را مقرر نکرده است (ابراهیمیان و رئوفیان نائینی، ۱۳۹۴: ۸۶).

۴- جرایم علیه معلولین و پیشگیری از آن

۴-۱- توجه به نوع کیفری پیشگیری در قبال معلولین

در پیشگیری کیفری، ماهیت کیفری ویژگی اقدامات مربوطه می‌باشد و این اقدامات در مورد مجرمان می‌باشد که از طریق تهدیدات کیفری و اجرای آن تهدادات به‌صورت قانونی علیه مجرمان مزبور صورت می‌گیرد. در این روش، شیوه‌های ارعاب‌آمیز و جوانب فرعی آن برای بازداشتن مردم از ارتکاب جرم به اجرا گذاشته می‌شوند تا در دفعات بعدی مرتکب جرم دیگری نشوند. به تعبیر برخی حقوق‌دانان از مجرای اعمال ضمانت اجراهای کیفری بر مرتکبان جرم و نشاندن بذر ارعاب در دل مجرمان بالقوه و بالفعل محقق می‌شود (جلالی فراهانی و باقری اصل، ۱۳۸۷: ۲). در مورد جرایم علیه بزه‌دیدگی معلولین و پیشگیری از آن، مقنن با جرم‌انگاری‌هایی که به‌صورت خاص ترتیب داده است و بعضاً آن هم به‌صورت محدود، مجازات را تشدید کرده است، به‌صورت نسبی چهره سرکوب‌گرایانه و قهری از حقوق کیفری را نشان داده که بیشتر در رسیدگی‌های شکلی قابل مشاهده می‌باشد، نه در ماهیت کیفری آن، درنتیجه رسیدگی خارج از نوبت یکی از اقدامات قانون می‌باشد که به معلول این حق را داده تا بتواند سریع‌تر به حقوق خود برسد (دادبان و آقای، ۱۳۸۸: ۱۳۳)، ولی در مورد موارد ماهیتی باید بررسی بیشتری صورت بگیرد.

۴-۱-۱- جرم‌انگاری به شیوه‌ای خاص

جرم‌انگاری خاص در مورد حمایت کیفری از معلولین بحثی می‌باشد که در نظام کیفری ایران صورت نگرفته و اگر هم صورت گرفته، آثار نسبتاً خفیفی داشته است. اگر جرم‌انگاری خاص صورت گیرد، می‌تواند عنصر بازدارنده‌ای در قبال جرایم علیه معلولین باشد. برای این امر نیز باید ظرفیت‌های حمایت کیفری از منظر حقوقی مورد توجه قرار گیرد. باید بین اقدامات صورت‌گرفته علیه معلولین، تفکیک‌سازی صورت گیرد، چراکه همه اقدامات صورت‌گرفته واجد وصف مجرمانه نیستند و برای همه آن‌ها نیز نمی‌توان ضمانت اجرای کیفری

می‌شود و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه است، رها کنند تا نصف مجازات مذکور محکوم می‌شود. عبارت «...» شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد ...» می‌تواند دلالت بر ناتوانی جسمی یا روحی افراد یا همان معلولین باشد، چراکه این افراد نیاز به مراقبت و نگهداری دارند. همین ناتوانی می‌تواند آنان را در معرض سوءاستفاده و بزه‌دیدگی قرار دهد (کرامتی معز و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۶).

در بند «ج» ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی می‌توان به موردی اشاره کرد که قابل تسری به معلول می‌باشد. براساس این بند از قانون مجازات، اگر شخصی قصد کشتن افرادی را نداشته باشد و عملی که انجام دهد، نوعاً کشنده نباشد، ولی براساس شرایط جسمانی شخص از قبیل پیری، ناتوانی یا بیماری و همچنین کودکی نوعاً کشنده محسوب شود و قاتل نیز به این شرایط آگاه باشد، در این صورت می‌تواند قتل محسوب شود.

همانطور که مشاهده می‌شود، قانون‌گذار فرضی را در نظر گرفته است که عمل مزبور عموماً کشنده نیست و نمی‌توان عمل مزبور را دلیل بر قصد شخص برای کشتن در نظر داشت، ولی باتوجه به ناتوانی شخص می‌تواند جنبه کشندگی داشته باشد، به شرطی که فاعل آگاه به کشنده‌بودن این عمل نسبت به فرد ناتوان داشته باشد، گرچه این ماده مستقیماً و مشخصاً و حتی اختصاصاً به بحث معلول نپرداخته است و این قبیل افراد را با افراد پیر، کودک و بیماری که شرایط عادی دارند، یکی هستند، ولی با این حال می‌توان نیم‌نگاه قانون‌گذار به بحث معلولین را استنباط کرد، لذا این مقرر یکی از نکات برجسته قانون‌گذار در بحث حمایت از معلولین است، ولی از طرف دیگر یکسان کردن وضعیت سلامتی معلولین با افراد پیر و کودکان قابل انتقاد به نظر می‌رسد، اما حداقل حمایت‌های مزبور را دارند و این خود نکته قوتی می‌تواند برای معلولین باشد. نکته دیگر افراد مجنون می‌باشند که نوعاً شرایط روحی - روانی نامناسب دارند و قوه عقلی آنان به مانند شرایط افراد عادی نمی‌باشد. در این‌گونه موارد نیز قانون‌گذار افراد معلول را نه تنها حمایت کرده، بلکه شخص جانی را از قصاص مبرا ساخته است، درحالی‌که فرد مجنون امکان دفاع از خود را

تا در مورد چنین جرایمی از سازوکار تشدید مجازات استفاده نماید، بدین ترتیب مرتکبی که معلول را به‌عنوان آماج جرم خود برمی‌گزیند از مرتکبی که علیه فرد غیر آسیب‌پذیر مرتکب شده است، مجازات شدیدتری تحمل می‌کند. اساساً در صورتی که رویکرد حقوق کیفری نسبت به جرایم علیه معلولین مبتنی بر تشدید مجازات باشد، از رهگذر بالا بردن هزینه جرم برای بزه‌کاران نقش پیشگیرانه‌ای در قبال بزه‌دیدگی معلولین خواهد داشت (دادبان و آقای، ۱۳۸۸: ۴۸).

در این زمینه می‌توان ملاک تشدید مجازات را میزان آثار مخرب جرم بر میزان آسیب‌پذیری بزه‌دیده و وخیم کردن ناتوانی وی به‌دنبال وقوع جرم و یا سوءاستفاده بزه‌کار از ناتوانی بزه‌دیده در ارتکاب بزه قرار داد تا ویژگی بازدارنده و ارعابی مجازات در مورد جرایم علیه معلولین پررنگ شده و در امر پیشگیری مؤثر باشد (الوانی، ۱۳۹۹: ۲۱).

۴-۲- توجه به نوع غیر کیفری پیشگیری در قبال معلولین

۴-۲-۱- توجه به عوامل اجتماعی در پیشگیری از جرایم

از منظر جامعه‌شناسی جرم، بزه‌کاری نوعی تابع تحولات جامعه می‌باشد. اگر در محیطی کنترل و نظارت اجتماعی بیشتر باشد، جرم و جنایت نیز کمتر می‌شود. برای مثال در جوامع روستایی جرم و جنایت کمتر است، چراکه نظارت و کنترل از سوی جامعه نه حکومت و نهادهای انتظامی، بیشتر است، ولی در شهرها این مسأله بسیار بیشتر است، البته مؤلفه جمعیت در شهرها نیز مطرح است، ولی به‌هرحال نظارت اجتماعی دارای اهمیت مضاعف می‌باشد. در پیشگیری اجتماعی نیز این مسأله حائز اهمیت می‌باشد. در پیشگیری اجتماعی باید به مبانی اجتماعی جامعه در آگاهی و علم به قبح رفتاری، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر توجه به مبانی خود پیشگیری اجتماعی نیز مهم می‌باشد. اندیشه توسل به پیشگیری اجتماعی بزه‌کاری به پیشوایان مکتب تحقیقی در ربع آخر سده نوزدهم برمی‌گردد. انریکو فوری معتقد بود که پیشگیری عام با تهدید کیفر خیالی بیش نیست، می‌باید آنچه وی آن‌ها را جانشین‌های کیفری می‌نامد، یعنی تدابیر اجتماعی، جایگزینی برای کیفرها وارد سیاست‌های جنایی شود (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۵۴).

مقرر نمود، ولی باتوجه به سوءرفتارهایی که ممکن است علیه معلولین صورت گیرد، باید ضمانت اجرای مؤثر کیفری در نظر گرفته شود و در قانونی جداگانه و خاص و با لحاظ ویژگی‌های خاص معلولین و دسته‌بندی آنان از نظر جسمی و ذهنی جرم‌انگاری صورت گیرد. با این حال در حقوق کیفری امروز ایران، این امر صورت نگرفته و در قانون مجازات اسلامی به‌صورت بسیار محدود، همراه با در نظر داشتن ویژگی‌های سایر افراد از قبیل پیر، کودک و ... با معلولین، اقدام به جرم‌انگاری کرده است، درحالی‌که شرایط جسمانی یا ذهنی افراد معلول با این قبیل افراد که سالم هستند و در سن طبیعی خود به سر می‌برند، بسیار متفاوت می‌باشد (فهمی، ۱۳۹۰: ۴۷)، لذا به نظر می‌رسد باید تدابیر کیفری بیشتری در این ارتباط صورت گیرد تا بازدارندگی کافی در این قبیل موارد داشته باشد و امنیت افراد معلول حفظ شود. از سوی دیگر هر جرمی که علیه این افراد صورت می‌گیرد، باید با نگاه مضاعف و مشدد کیفری نگریسته شود. برای مثال جرم سرقت ساده از معلولین نباید همان مجازات مقرر در قانون برای افراد عادی باشد، بلکه باید ضمانت اجرای شدیدی در این باره در نظر گرفته شود تا این افراد به خاطر ضعف جسمانی خود، قربانی مجرمین نشوند. از سوی دیگر هرگونه معلول آزاری نیز باید جرم‌انگاری شود، چراکه برخی افراد بدون اینکه به امنیت جسمانی معلولین تعرضی بکنند، به‌صورت ذهنی موجبات آزار این افراد را فراهم می‌سازند، در نتیجه می‌بایست این موضوع بسیار مورد توجه قرار گیرد. در مورد تشدید مجازات در بحث زیر به‌صورت اختصاصی مورد توجه قرار می‌گیرد (الوانی، ۱۳۹۹: ۲۱).

۴-۱-۲- عوامل مشدده

از منظر کیفرشناسی نیز چگونگی تعیین کیفر و لحاکردن کیفیت مشدده توأم با کیفر اصلی جرم برای مجازات بزه‌کارانی که با استفاده از خصیصه آسیب‌پذیری در فرد معلول، علیه وی مرتکب جرم شده‌اند، می‌تواند متضمن تأمین اهداف پیشگیری از بزه‌دیدگی معلولین باشد. در این راستا مقنن کیفری می‌تواند با رویکردی بزه‌دیده محور و با لحاظ مؤلفه آسیب‌پذیری در فرد بزه‌دیده ارتکاب جرم علیه معلولین را از جمله کیفیات مشدده محسوب کرده و به قاضی اختیار دهد

است که از نگهداری اشخاص مذکور که حسب مورد دارای پروانه فعالیت از مراجع ذی ربط هستند، تأکید می‌ورزد.

برای این امر قانون اساسی نیز مورد توجه می‌باشد. در اصل ۳۰ قانون اساسی که آموزش و پرورش رایگان را برای دانش‌آموزان تا پایان دوران متوسطه در نظر گرفته است، این مسأله شامل معلولین نیز می‌شود، چراکه نمی‌توان استثنایی در این باره قائل شد. ماده ۱ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل و جوانان ایرانی ۱۳۵۳ هم این مسأله را مورد تأکید قرار داده است. کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۰ اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی را تصویب کرد که به نظر برای زمان خود رویکردهای مناسبی در ارتباط با بزه‌دیدگی معلولان و جلوگیری از بزه‌دیدگی داشت. در ماده ۲ این اساسنامه، به مواردی اشاره داشت که می‌توانست سیستم آموزشی متناسب با ناتوانی ذهنی و جسمی کودک طراحی گردد و از این طریق موجبات توان بخشی آنان تأمین گردد. این توان بخشی هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی بسیار مهم است و بعد از اینکه مراحل تحصیلی را تا دیپلم گذراندند، وارد جامعه می‌شوند و بدین طریق روند جامعه‌پذیری آنان تکمیل می‌گردد و از طرف دیگر می‌توانند در مقابل بزه‌دیدگی مقاومت داشته باشند و حتی المقدور از خود دفاع نمایند (الوانی، ۱۳۹۹: ۸).

آموزش و پرورش خاص کودکان استثنایی، می‌تواند در مقابل ناتوانی‌های جسمی و ذهنی کودکان، منجر به رشد آگاهی‌های آنان شده و به پیشگیری از جرایم علیه خود بیشتر آماده شوند. این روند فقط با کمک دولت امکان‌پذیر می‌باشد، چراکه تأمین امکانات آموزشی در مدارس استثنایی برعهده دولت است و استخدام و تربیت معلمان و مربیان آموزش استثنایی، از جمله عواملی می‌باشد که توسط دولت امکان‌پذیر می‌باشد. ماده ۳ همین سند مصوب کمیسیون آموزش نیز در یک نکته به موضوع مهمی اشاره می‌کند. مطابق این ماده، باید بین گروه‌های مختلف معلولین تفکیک صورت گیرد و وسایل آموزش متناسب با آنان تهیه و تنظیم گردد. این مسأله بسیار مهم می‌باشد، چراکه معلولین کودک دارای شرایط بسیار استثنایی هستند و هر کدام ویژگی‌هایی دارند که باید

آنچه در پیش‌فرض اصلی اتخاذ پیشگیری اجتماعی مهم می‌باشد، به صورت اعم انحراف اجتماعی و به صورت اخص نقض قوانین ریشه در محیط‌های اجتماعی دارد و قبل از اینکه تدابیری اندیشیده شود، باید محیط شخص مجرم مورد توجه قرار گیرد و عوامل اجتماعی آن مورد آنالیز قرار گیرد. برای مثال اینکه در کشورهای غربی چرا به حیوانات ارج می‌نهند، ولی در خاورمیانه این موضوع کم‌رنگ‌تر است، ریشه در عوامل اجتماعی آن دارد، لذا توجه به عوامل اجتماعی در میزان کج‌روی افراد و انحراف جامعه بسیار حیاتی می‌باشد. بنابراین شناسایی این عوامل پیش‌زمینه هرگونه رویکرد مداخله‌گرایانه در بحث پیشگیری از جرم است. در این رویکرد به جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی نگریسته می‌شود که ریشه در واقعیت‌های اجتماعی دیگری به عنوان عوامل تأثیرگذار دارد. پیشگیری اجتماعی بر مبنای علت‌شناسی استوار است که نظر بر حذف یا خنثی کردن عواملی دارد که در تکوین جرم مؤثرند و با دخالت در محیط‌های اجتماعی مانع از شکل‌گیری انگیزه‌های بزه‌کارانه و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا می‌گردد (الوانی، ۱۳۹۹: ۸).

در مورد پیشگیری اجتماعی باید توجه داشت که افراد مؤسسات و کارمندان و دولت‌ها باید در زمینه انتشار کتابی در مورد حقوق معلولان یا گزارش‌های کوتاه مدت در رسانه‌های اجتماعی، تدریس در مدارس، تأسیس مراکز خاص برای نگهداری از معلولانی که دارای والدین مشکل‌دار هستند، تخصیص مراکز بهداشتی مجزا و یا تأمین برخی امکانات در زمینه بهداشت و درمان در مراکز درمانی، ارتقای خدمات مرتبط با معلولین در نهادهای دولتی و تأمین مالی برخی از معلولان با شرایط خاص برای کمتر در معرض سوءاستفاده قراردادن آن‌ها و ... مواردی هستند که در سیاست جنایی تقنینی ایران و هم در نهادهای بین‌المللی مورد توجه واقع شده است. در قوانین و مقررات ایران در موارد متعدد به عنوان مثال، در ماده واحده راجع به لایحه قانونی تشکیلات سازمان بهزیستی کشور ۱۳۵۹ این مسأله به نوعی مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده واحده که در راستای اعمال مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شده است، وظایف متعددی را برای سازمان مذکور ترسیم نموده

وضعی باید توجه داشت که می‌توان با تدابیر خاصی و اتخاذ استراتژی‌هایی تلاش‌ها و اقدامات لازم را برای از بین بردن فرصت ارتکاب جرایم فراهم نمود. برای مثال ایجاد موانع فیزیکی، استفاده از تکنولوژی‌هایی برای حفاظت از معلولین، استفاده از دوربین‌های روی لباس جهت شناسایی افرادی که در اذیت و آزار و ارتکاب بزه علیه معلولین نقش دارند و ... می‌تواند مؤثر باشد. همچنین استفاده از پیاده‌روهای مخصوص معلولین و بهره‌گیری از دوربین‌های نظارت شهری در مورد معلولین و همچنین نهادهایی که با معلولین سروکار دارند، باید در نقاط در دسترس شهر باشد و ... نیز می‌تواند در ارتکاب جرایم علیه آنان تأثیرگذار باشد (الوانی، ۱۳۹۹: ۸).

در باب پیشگیری وضعی از بزه علیه معلولین رسالت اصلی همانا کاستن از جاذبه و آسیب‌پذیری ایشان در مقابل بزه‌کاران بالقوه و همین‌طور دشوار و پرخطر نمودن مسیر ارتکاب بزه علیه ایشان می‌باشد تا بتوان حتی‌الامکان آسیب‌پذیری معلولین در مقابل انواع بزه را کاهش داده و از بزه‌دیدگی ایشان پیشگیری نمود، در این راستا می‌توان به شیوه‌های اعمال نظارت و همین‌طور ممتنع‌ساختن ارتکاب بزه علیه معلولین در جهت تقلیل فرصت‌های وسوسه‌انگیز و کاستن از جاذبه معلولین به‌عنوان آماج‌های جرم اشاره داشت (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۲).

۴-۲-۱- نظارت سازماندهی‌شده

یکی از مسائل شایان توجه در راه پیشگیری از بزه‌دیدگی معلولین اعمال نظارت مستقیم از سوی نهادی کارآمد است. یکی از اولین کانون‌های نظارت، خانواده می‌باشد که معمولاً به‌عنوان سرپرستان معلول در نظر گرفته می‌شوند؛ دومین نهاد نظارتی سازمان بهزیستی می‌باشد که نظر به تعدد فعالیت‌های و حجم کاری این سازمان، امکان نظارت به‌صورت موردی توسط این نهاد وجود ندارد، ولی با این حال می‌تواند در قبال حمایت از معلولین با همکاری قوه قضاییه مهم باشد.

نهاد مذکور می‌تواند با مراجعات سالانه و مستمر به محل زندگی معلول، ضمن حفظ حریم خصوصی خانواده‌ها اولاً مرتباً شرایط اخلاقی و صلاحیت سرپرستان معلول را بررسی نموده و در صورت بروز هرگونه مشکل که موجبات تحت

متناسب با آن ویژگی‌ها اقدام به تربیت و آموزش آنان نمود. قانون دیگر که برای پیشگیری اجتماعی آنان مهم می‌باشد، قانون جامع حمایت از معلولان، ۱۳۸۳ می‌باشد. ماده ۳ این قانون نیز اقداماتی را برای سازمان بهزیستی تعیین کرده است که می‌تواند مهم باشد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۲):

۱- ارائه خدمات توان‌بخشی از نظر آموزشی و حرفه‌ای که مورد نیاز معلولان می‌باشد و باید همراه با مشارکت خانواده‌های آنان و بعضاً همکاری بخش غیردولتی، ازجمله تعاونی، خیریه و نهادهای خصوصی توأم با یارانه‌های مراکز غیردولتی باشد.

۲- ایجاد و گسترش مراکز نگهداری خاص و ویژه توان‌بخشی و آموزشی معلولان و به‌خصوص معلولان بی‌سرپرست، مجهول‌الهویه، معلولان ذهنی یا معلولان با ناهنجاری‌های رفتاری که می‌بایست این مراکز با کمک‌های پرداختی از سوی تعاونی و تسهیلات اعتباری همراه باشد (زراعت و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶).

۳- تأمین و تحویل وسایل کمک توان‌بخشی مورد نیاز افراد معلول (سماواتی پیروز و صادق‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۷).

همچنین ماده ۸ این قانون در مورد تحصیلات عالی و دانشگاهی معلولان است که مقرر می‌دارد معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش علوم، تحقیقات و فناوری بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی بهره‌مند گردند.

۴-۲-۲- توجه به عوامل مرتبط با پیشگیری وضعی

یکی از روش‌هایی که برای پیشگیری وجود دارد، پیشگیری وضعی می‌باشد. پیشگیری وضعی به مجموعه تدابیری اطلاق می‌شود که فرصت‌های ارتکاب جرم و موقعیت‌های مختلف برای ارتکاب را از بین ببرد. باید توجه داشت که زمانی که پیشگیری اجتماعی ناکارآمد شود، در این صورت پیشگیری وضعی مطرح می‌شود. در مورد ارتکاب جرایم توسط افراد بزه‌کار علیه معلولین، به نظر می‌رسد اتخاذ هر دو روش پیشگیری وضعی و اجتماعی نیاز است. در مورد پیشگیری

تأمین تجهیزات رایج و هشداردهنده ایمنی منزل برای معلولین ناشنوا و نابینا به جهت سهولت فراوان وقوع سرقت از محل زندگی آنان تخصیص چند آژانس اتومبیل به سازمان بهزیستی جهت استفاده آسان و بی خطر معلولین نابینا و بسیاری موارد جزئی دیگر که شاید هزینه ناچیزی دربر داشته باشد، اما راه بسیاری از جرایم شایع علیه معلولین را مسدود نموده و موجبات صعوبت ارتکاب بزه علیه آنان را برای بزه کاران بالقوه فراهم می آورد (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۹).

۴-۲-۳- کیفری سازی اقدامات علیه معلولین و بزه دیدگی آنان

کیفری سازی اقدامات نسبت به مسأله بزه دیدگی معلولین، ازجمله یکی از شیوه هایی می باشد که در بحث پیشگیری وضعی مهم می باشد. حقوق کیفری می تواند با اتخاذ برخی موانع و البته با پشتیبانی قانونی، شیوه ای از جرم انگاری را در ارتباط با معلولین در نظر بگیرد تا بتواند افعال و ترک فعل های مختلف را پوشش دهد. این ترک فعل ها ممکن است نسبت به معلولین زیان بار تلقی گردد و از طرف دیگر به خاطر معلولیت و ناتوانی جسمی می تواند علیه آن ها به عنوان بزه در نظر گرفته شود. از طرف دیگر اعمال برخی کیفیات مشدده جرم می تواند نرخ جرایم را علیه معلولین کمتر کند. برای این امر تأمین اهداف مجازات باید به شیوه ای باشد که شرایط جسمی معلولین در نظر گرفته شود. از نظر ماهوی می بایست قانون گذار حمایت سفت و سخت و از منظر شکلی نیز باید دادرسی عادلانه برای معلول را فراهم آورد تا بتواند باتوجه به شرایط جسمی خود علیه مجرم حقوق خود را پیگیری کند. در این راستا مؤلفه های خاص باید مدنظر باشد، ازجمله اینکه باید گزارش دهی ارتکاب علیه معلولین با سهولت صورت گیرد، انجام تحقیقات در راستای کشف سریع جرم و یافتن مجرم، تعقیب جرم و داشتن حقوق مساوی با افراد عادی و تسریع در رسیدگی و دادرسی، اعطای جنبه عمومی به جرایم علیه معلولین بدون نیاز به شاکی خصوصی، ازجمله حمایت های شکلی از نظر آیین دادرسی می باشد که می تواند در حق معلولین اجرایی گردد. همه این موارد در راستای اعطای نقش فعال به معلولین در تعقیب مجرمین و افزایش مشارکت آنان در فرایند رسیدگی و در نتیجه اعطای

فشاربودن معلول را فراهم می سازد، اقدامات مقتضی را به عمل آورد و از طرف دیگر می تواند شرایط معیشت و مراقبت از معلول در خانواده را نیز تحت نظارت غیرمستقیم داشته باشد. همچنین به دلیل حضور دائمی یا موقتی بسیاری از معلولین در مراکز نگهداری ویژه لزوم اعمال نظارت از سوی نهادهای مستقل به جهت کنترل شرایط مراقبت از معلول و منع هرگونه خشونت یا اعمال محدودیت در مقابل معلول در آن به چشم می خورد، سلب ابتدایی ترین حقوق انسانی مثل راه رفتن و حرکت از معلول ذهنی و بستن مداوم او به تخت از شیوه های غیرانسانی و خشونت باری است که می توان با نظارت مستمر و دقیق از انجام آن جلوگیری نمود (فقیهی، ۱۳۹۰: ۵۳).

در مجموع باید گفت اعمال نظارت مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده ها یا مراکز نگهداری که سرپرستی و نگهداری معلول را برعهده دارند، می تواند تا حد زیادی از رهگذر دشوار و پرخطر نمودن ارتکاب جرم برای بزه کار احتمال بزه دیدگی معلولین را کاهش داده و گامی مؤثر در مسیر پیشگیری از بزه دیدگی ایشان قلمداد گردد (الوانی، ۱۳۹۹: ۸).

۴-۲-۲- ایجاد هزینه به خاطر ارتکاب جرم علیه معلولین

در جهت حفاظت از معلولین به عنوان آماج های بی دفاع جرم می توان نسبت به اتخاذ تمهیداتی اقدام نمود که از سویی تلاش و کوشش بزه کار برای ارتکاب جرم علیه معلول را افزایش دهد و از سوی دیگر از جاذبه های معلولین به عنوان سیل های کم خطر در مقابل بزه کاران بالقوه بکاهد. اجباری نمودن برخی مراحل خاص در روند فعالیت های اقتصادی، معلولین مراقبت از معلولین بی سرپرست یا بدسرپرست در مراکز نگهداری ویژه تأمین حداقل معاش برای معلولان نیازمند و مسائلی از این نوع که می توان با اعمال آن ها تا حدی از سهولت ارتکاب بزه علیه معلولین کاست، مثلاً نگهداری مناسب معلولین که فاقد سرپرست ذی صلاح باشند، در مراکز ویژه، از رهاشدن فرد معلول در اجتماع و تقابل بی دفاع با انواع خطرات موجود یا زندگی در خانوادای بدسرپرست و اعمال انواع خشونت ها علیه وی ممانعت می کند و راه ارتکاب بسیاری از جرایم علیه ایشان را مسدود می کند.

جایگاه رسمی به حقوق بزه‌دیدگان به‌عنوان افراد مورد پذیرش جامعه می‌باشد (الوانی، ۱۳۹۹: ۷۲).

از سوی دیگر ضرورت به‌کارگیری وکلای خبره از سوی دادگستری برای افراد معلول قبل از ارتکاب جرم علیه آنان (تا در صورتی که اتفاقی بیفتد، این وکلا با توجه به شرایط جسمی آنان بتوانند حقوق معلولین را پیگیری نمایند)، حضور افراد آموزش‌دیده برای آمادگی در قبال معلولین در نهادهای مختلف، فراهم‌نمودن بسترهای ساختاری و فیزیکی جهت قرارگرفتن در جایگاه شهود و همچنین آموزش نیروهای انتظامی در برابر نحوه رفتار با معلولین و مواردی از این قبیل می‌تواند سیاست جنایی را در قبال این افراد مستحکم‌تر سازد (پرفیت، ۱۳۸۳: ۱۱۴). در این رهگذر می‌بایست بر لزوم تقویت سیاست مشارکتی در همه سطوح تقنینی قضایی و اجرائی به لحاظ وجود کارکردهای حمایتی مؤثر تأکید نمود (صفاری، ۱۳۸۴: ۸۸).

نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت معلولان در ایران نشان می‌دهد که این قشر از جامعه دارای نابرابری‌های زیادی هستند. این نابرابری‌ها فارغ از هر زمینه‌ای، در زمینه حقوق کیفری و سیاست جنایی دولت تأثیر گذاشته است. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که قوانین و مقررات ایران در زمینه جلوگیری از بزه‌دیدگی معلولان چندان کافی نیستند و حتی در قانون مجازات نیز این موضوع، نمود خود را در یکسان‌دانستن ناتوانی معلولان با پیران، کودکان و ... نشان داده است، لذا نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایده مشخصی در مورد جرم‌انگاری جرایم حوزه معلولان نداشته است و در اغلب موارد جرایم علیه معلولان را با افراد عادی یکسان دانسته یا در مورد مجنونین به کمتر از مجازات افراد عادی قائل شده است. این مسائل نشان می‌دهد که جرایم حوزه معلولان و مجازاتی که مقرر شده است، چندان با اصل عدالت و انصاف و حقوق حقه آن‌ها متناسب نیست، لذا پیشگیری کیفری نظام حقوقی ایران با اصول حقوقی تناسبی ندارد و نمی‌تواند بازدارندگی لازم را ایجاد نماید. در مورد مجازات مشخص‌شده باید تجدیدنظر صورت گیرد و جرایمی که علیه آنان صورت می‌گیرد، باید دو برابر آن

چیزی باشد که علیه افراد عادی صورت می‌پذیرد، چراکه این قشر از افراد به‌دلیل ناتوانی جسمی یا روانی - ذهنی توان دفاع از خود را ندارند. در مورد پیشگیری غیرکیفری اجتماعی و وضعی باید توجه داشت که نباید از منظر اجتماعی نگاه ترحم‌آمیز به معلولان داشت، چراکه این قشر از افراد جامعه به هیچ عنوان دوست ندارند نگاه ترحم‌آمیز نسبت به آنان وجود داشته باشد، بلکه باید به‌طور عادی با آنان رفتار شود، ولی در زمینه حقوق آنان به‌دلیل شرایط اجتماعی‌شان باید از منظر کیفری نگاه چندبرابری به جرایم این حوزه وجود داشته باشد. از یک‌سو گرچه قانون‌گذار شرایط بهتری را از منظر قانونی جهت پیشگیری اجتماعی مقرر کرده است، ولی از سوی دیگر در زمینه عمل به این موارد کم و کاستی‌هایی صورت گرفته و عملاً تحقق نیافته‌اند. از نظر پیشگیری وضعی نیز تا حدودی شرایط در قانون و اجتماع مهیا می‌باشد، ولی نتیجه این عملکرد چندان بهبود نیافته است. برای مثال در زمینه اقتصادی به‌دلیل نوسانات سال‌های اخیر حقوق معلولین کفاف زندگی آنان را نمی‌کند و اغلب مجبور می‌شوند در جایی کار کنند و همین کارکردن در برخی اماکن ممکن است آنان را در معرض بزه‌دیدگی قرار دهد که لازم است در این زمینه تمهیداتی اندیشیده شود. از منظر کیفری باید توجه داشت که حمایت کیفری باید بر پایه معیار آسیب‌شناسی ناتوانی صورت گیرد و موضع قانون‌گذار در این رابطه، به نظر جامع و ضابطه‌مند نیست، حتی در برخی مصوبات و قوانینی که ذکر شد، نوعی پراکندگی دیده می‌شود گرچه در زمینه برخی مقررات در حوزه پیشگیری شاهد بسیاری از پیشرفت‌ها و مقررات مناسب هستیم.

در نتیجه حمایت کیفری از معلولان علاوه بر آنکه هم از نظر تئوری و هم عملی باید اثرات پیشگیرانه خود را داشته باشد، بلکه می‌بایست هزینه ارتکاب جرم علیه معلولین افزایش یافته و مجازات این‌گونه موارد با مجازات افراد عادی تفکیک‌سازی صورت گیرد. بسترسازی اجتماعی و فرهنگی در جهت ارتقای نگرش‌های عمومی به این حق، نیاز به سازوکارهای قانونی شایسته و سیاست‌گذاری عمومی دولتی دارد که غفلت از آن، می‌تواند معلولین را در شرایط مغرنجی قرار دهد. از طرف دیگر سرپرستان این افراد نیز باید مورد

- جلالی فراهانی، امیرحسین و باقری اصل، رضا (۱۳۸۷). «پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری». *فصلنامه ره‌آورد نور*، ۷(۲۴): ۱۰-۱۹.

- حاجی‌تبار فیروزجانی، حسن (۱۳۹۰). «دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در پرتو آموزه‌های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)». *مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۶: ۱۱-۲۸.

- حسینی، سیدباقر و نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۸۷). «مناسب‌سازی مسکن و شهر برای افراد دارای ناتوانی‌های جسمی - حرکتی (نمونه موردی: منطقه ۸ شهر تهران)». *نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران*، ۱۹(۱۰): ۱۹۵-۲۰۶.

- خوش‌اندام، محمد و میرقادری، جلیل (۱۳۸۵). «جرم و کم‌توانی ذهنی (نگاهی به قوانین جزایی و حقوقی در زمینه افراد کم‌توان ذهنی)». *ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی*، ۶(۶۰): ۷-۱۶.

- دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (فصلنامه حقوق سابق)*، ۳۹(۳): ۱۲۵-۱۴۸.

- رشیدی، مهنام (۱۳۹۲). *بررسی حقوق افراد دارای معلولیت در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دامغان: دانشگاه آزاد اسلامی.

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «حمایت از معلولین در حقوق بین‌الملل». *نشریه رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۱): ۳۰۷-۳۴۱.

- زراعت، عباس؛ چاووشی، محمدصادق و کرامتی معز، هادی (۱۳۹۸). «سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۲۰(۱): ۵۱-۷۶.

- سلطانی کوهبنانی، سکینه و غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۷). «نگرشی اخلاقی حقوقی به جایگاه اصل برابری در حقوق

حمایت قرار گیرد، چراکه برخی معلولین که شرایط حادثی دارند، نیاز به مراقب بیست‌وچهارساعته دارند که همواره باید مراقب آنان باشد. بنابراین رویکرد حق‌مدارانه نسبت به معلولین به‌عنوان بخشی از جامعه که اتفاقاً حضور آنان در عرصه‌های مختلف تأثیرگذار می‌باشد از یک طرف و از طرف دیگر اصلاح نگاه ترحم‌آمیز جامعه و قانون‌گذار نسبت به آنان می‌تواند جایگاه اجتماعی آنان را تغییر دهد و در موضعی قدرتمندتر در جامعه حضور داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، شهرام و رؤوفیان نائینی، حمید (۱۳۹۴). «جایگاه بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۷۲: ۱-۲۳.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

- الوانی، سارا (۱۳۹۹). *سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری از بزه‌دیدگی معلولین*. شیراز: نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ.

- پرفیت، آلن (۱۳۸۳). *پاسخ‌هایی به خشونت گزارش کمیته مأمور در امر خشونت و بزه‌کاری*. ترجمه مرتضی محسنی، تهران: انتشارات گنج دانش.

و پویای افراد کم‌توان ذهنی». نشریه رشد و یادگیری حرکتی ورزشی، ۸(۱): ۱۴۱-۱۵۸.

- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۷). «توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزه‌کاری». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)، ۳۸(۳): ۲۹۷-۳۱۶.

کودکان با نیازهای ویژه». مجله اخلاق زیستی، ۸(۲۷): ۱۹-۳۱.

- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴). «ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری». فصلنامه حقوق دادگستری، ۶۹(۵۲): ۱۱۹-۱۶۸.

- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۸). ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان. رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- سماواتی پیروز، امیر و صادق‌نیا، داوود (۱۳۹۶). پیشگیری از بزه‌دیدگی ناتوانان؛ پایان سکوت حقوق کیفری. کرج: همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی.

- شفیعی، محمدسعید و شفیعی، شیرین (۱۳۹۵). «حمایت‌های قضایی و حقوقی از معلولین در نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی». فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، ۲(۴): ۹۷-۱۱۱.

- صفاری، علی (۱۳۸۴). کیفرشناسی. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- فقیهی، فاطمه (۱۳۹۰). سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیدگی معلولین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با راهنمایی عبدالعلی توجهی، بندر ماهشهر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

- قائدرحمتی، صفر و دهباشی، مهدی (۱۳۹۲). «رابطه خدمات بهداشتی و درمانی با وضعیت معلولیت در استان‌های کشور». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۰): ۳۳۳-۳۵۱.

- کرامتی معز، هادی و حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶). «تقابل ضمانت اجراهای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱». فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۹: ۱-۱۸.

- محمدی، هانیه؛ طهماسبی بروجنی، شهزاد و فاضل کلخوران، جمال (۱۳۹۵). «تأثیر تداخل ضمنی بر تعادل ایستا